

تاریخ: ۵۸/۴/۲

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان لنگرود و پاسداران انقلاب اسلامی همدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت انبیا، تزکیه نفوس و مهار جهات مادی افسار گسیخته انسان

من چند کلمه با آقایان و خواهران در مفاد این آیه شریفه که آن خواهر خواند عرض کنم. خدای تبارک و تعالی می فرمایند که من منت گذاشتم بر مردم به اینکه پیغمبر را فرستادم که آیات مرا برای مردم تلاوت کند «و یزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمة» تزکیه را مقدم ذکر فرموده است از علم، از حکمت. آیات شریفه قرآن در هر ذره ذره از آن نکات هست. بی جهت اینطور نیست که مثل یک نویسنده باشد که مقدم و مؤخر بودنش ممکن است که در نظر نباشد. تلاوت آیات شریفه، خوب همان رسالت است یعنی رسول آمده است که آیات قرآن را بر مردم تلاوت کند، تلاوت برای چه؟ تلاوت کند و مردم را تزکیه کند، نفوس مردم را تزکیه کند، تطهیر کند.

انسان دو جنبه دارد: جنبه معنوی و جنبه ظاهری. جنبه ظاهری همین است که می بینید و همین دنیا است که می بینید و همین مادیات است که مشهود است و جنبه معنوی جنبه دیگری است که ماورای این عالم است، در انسان است. اما انسان مجموعه همه عالم است کانه خدای تبارک و تعالی دو نسخه موجود فرموده اند: یک نسخه تمام عالم، یک نسخه کوچک این است. انسان عصاره همه موجودات عالم است یعنی در انسان همه چیز هست و خدای تبارک و تعالی توجه و عنایت فرموده است و منت گذاشته است بر انسان به اینکه پیغمبرانی فرستاده است برای اینکه هم آن جهت معنویت را که اهم است و تمام نظر به اوست تربیت کند، تزکیه کند مردم را، تهذیب کند مردم را، تعلیم بدهد مردم را، حکمت تعلیم کند، کتاب تعلیم کند و هم این جهات مادی افسار گسیخته را مهار کند. اینها که مادی هستند مادیات را به طور افسار گسیختگی توجه به آن دارند و انبیا آمده اند که همین مادیات را و همین امورات مادی که انسان نسخه ای از آن هم هست، عصاره ای از آن هم هست و انسان را طوری تربیت کند که مادیات هم در مهار معنویات باشد. اصل اساس، معنویات اوست. اصل اساس این است که هیچ تعلیم و تربیتی در دنیا و هیچ رژیمی در عالم (از تمام رژیم ها که بگیرید) توجه به آن معنویت انسان ندارند. اینکه توهم می شود که فرق مابین رژیم اسلامی و انسانی با سایر رژیم ها این است که در این عدالت هست، این صحیح است لکن فرق این نیست، فرق ها هست، یکی از فرق هایش قضیه عدالت اجتماعی است. هیچ یک از رژیم های دنیا غیر از این رژیم توحیدی انبیا توجهش به معنویات انسان

نبوده است، در نظر نداشته است که معنویات را ترقی بدهد. آنها همه در دنبال این بوده اند که این مادیات را استفاده از آن بکنند و یک نظام مادی در عالم ایجاد بشود و انبیا اصلش آمده اند برای تزکیه نفوس انسانی، تعلیم و تربیت کتاب و حکمت و مهار کردن این طبیعت که انسان قبل از مهار کردن طبیعت به دست انبیا به طور اصلاح همه چیز را می خواهد. در انسان کما اینکه یکی از موجودات عالم است که یک حیوانی است منتها حیوان قابل تربیت. هیچ یک از چیزهایی که در انسان، قوایی که در انسان است محدود نیست. انسان شهوتش محدود نیست به اینکه نظام داشته باشد مثل سایر حیوانات، بلکه از سایر حیوانات هم بدتر است. غضب انسان محدود نیست به اینکه در یک موردی اعمال غضب بکند، در یک موردی نکند، غیر محدود است. این مثل این است که سلطه بر سایر کشورها، بر سایر گروه ها محدود نیست که با یک نظمی بر آنها غلبه کند، غیر محدود است؛ انسان شهوتش همچو غیر محدود است که هیچ مرزی ندارد، هیچ فرقی مابین افراد نیست، اگر غضب کند مرزی ندارد که در آن مرز محدود باشد، مهار تا نشود، تا اشخاصی که باید مهار کنند این قوای انسان را، تا مهار نکنند غیر محدود و مطلق است. انبیا آمده اند که با تعلیم و تربیت الهی و با تزکیه نفوس مهار کنند این قوای غیر محدود انسان را.

**بر طبق موازین کتاب و سنت اعمال قدرت کنید**

این مقدمه را که من عرض کردم برای این است که ما الآن در معرض یک خطر عظیم واقع هستیم که این خطر از خطر رژیم سابق برای ما بیشتر است و آن خطر افسار گسیختگی است. خطر افسار گسیختگی که انسان بعد از اینکه خودش را آزاد دید، بعد از اینکه دیوارهای استبداد را شکسته دید، بعد از اینکه از زندان ۳۵ میلیونی بیرون آمد، حالا افسار گسیخته بشود، هر چه می خواهد بکند، یعنی برخلاف این تعلیماتی که انبیا از صدر عالم تا حالا آورده اند که مهار کنند این قوای انسان را، مهار کنند این قدرت هائی که انسان دارد، مهار کنند این شهواتی که انسان دارد، حالا که ما ملت ما به واسطه همتی که کردند و به واسطه آن ایمانی که داشتند خدای تبارک و تعالی آنها را موفق کرد و غالب شده اند بر طاغوت، حالا مهار گسیخته بشود، این خطر، خطر بزرگی است که تعالیم انبیا را به باد می دهد، زحمت های رسول اکرم را به باد می دهد، آبروی اسلام را از بین می برد. الآن آبروی اسلام بسته است به اعمال شما مردم ایران که مردم همه عالم متوجه اند به اینکه ببینند چه می کنید. اینکه الآن آزادی به دست شما آمد و از اختناق بیرون رفتید، آیا چه می کنید؟ آیا افسار گسیخته شدید؟ دیگر خدای ندارد کارها؟ مرزی ندارد کارها؟ پاسدارید و تفنگ دارید و قوه دارید و قدرت دارید و بنه خشانها می ریزید، مال مردم را می برید، هتک آبروی مردم را می کنید؟ یا نه، تربیت، تربیت اسلامی است، حد و مرز دارد، حدود دارد در اسلام، اگر چنانچه یک کسی با دیگری هم دشمنی داشته باشد (کنه در اسلام نباید داشته باشد) اگر چنانچه کسی فرزند کسی را کشته باشد، حقی که اسلام به او داده این است که روی موازین آن را قضاص بکنند هیچ حق دیگری ندارد یعنی اگر چنانچه فیروز ند یک نفر را،

فرزندهای یک نفر را، عشیزه یک نفر را، یک نفر قتل عام بکند و همه را بکشد، در اسلام این است که این را باید قصاص کرد بیش از این حقی برای کسی قائل نیست، یک فحش حق ندارد بدهد، یک سیلی حق ندارد بزند.

آیا امروز که قدرت دست مردم آمده است و در مقابل همه قدرت‌ها خود مردم هم قدرت پیدا کرده‌اند، پاسبان‌ها قدرت دارند، سپاهی‌ها قدرت دارند، آیا قدرت را روی موازین کتاب و سنت، روی تعلیمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله اعمال می‌کنند، یا هر چه پیش آمده، آمد. حالا که قدرت داشت، هر جا که می‌تواند این قدرت را اعمال می‌کند، دنبال این نیست که روی حق باشد، دنبال این نیست که روی عدالت باشد، دنبال این است که اعمال قدرت خودش را بکند، همان افسار گسیختگی که حیوانات دارند، حیوانات افسار گسیخته‌اند، میزان ندارد کارشان انسان را که انبیا تربیت می‌خواهند بکنند، می‌خواهند محدودش کنند به حدودی، روی قوانینی، روی مرز و بومی باشد. آیا امروز که ایران یک مرکزی شده است که چشم‌های دنیا به این مرکز دوخته شده و همه عالم دارند دانشمندانشان مطالعه می‌کنند در احوال این مملکت و این ملت، آیا این ملت حالا دنبال این مطلب هست که ما یک کاری بکنیم که حفظ آبروی اسلام بشود؟ ما می‌گوئیم جمهوری اسلامی، آیا به جمهوری اسلامی اعتقاد داریم؟ یا همین گفتیم جمهوری اسلامی و هر کاری خواستیم کردیم؟ آیا با خورها به جمهوری اسلامی اعتقاد دارند باز مشغولند؟ آیا آن اشخاصی که ظلم می‌کردند و حالا قدرت دست یک اشخاص دیگر افتاده و اینها با قدرت هستند، به جمهوری اسلامی معتقد هستند؟ اگر معتقد هستند به جمهوری اسلامی، باید حکومت اسلامی مثل حکومت علی ابن ابیطالب سلام الله علیه باشد. مردمی که در این حکومت زندگی می‌کنند همه اسلامی باشند، تابع باشند. اینطور نباشد که کارهایی بشود که در خارج منعکس بشود که اینها یک مشت وحشی بودند، وقتی که از دام بیرون افتادند خودشان وحشت کردند.

### مسئولیت خطیر روحانیون در حفظ حیثیت اسلام

بزرگ‌آدره‌های من! خواهرهای من! امروز آبروی اسلام بسته به اعمال ماها، اعمال شماهاست، امروز آبروی اسلام بسته به اعمال روحانیون است. روحانیون که مربی انسان‌ها هستند به جای انبیا نشسته‌اند، مبعوث از طرف انبیا هستند. آبروی اسلام امروز، آبروی اسلام در ایران و امروز بسته به اعمال همه است و خصوصاً روحانیون. اگر خدای نخواسته از این طایفه یک اشتباهی صادر بشود، یک خطایی صادر بشود، این به پای اسلام تمام می‌شود. متوجه باشید که مسئولیت بزرگ است، همه مسئولیم، همه مسئولید لکن روحانیون بیشتر مسئولند. مبادا یک وقت اعمالی صادر بشود از این طایفه که همانطور که گفته می‌شود و اشخاص مغرض گفته‌اند و می‌گویند که ما از زیر بار دیکتاتوری رضاخان بیرون آمدیم و زیر بار دیکتاتوری آخوندها واقع شدیم. آخوند دیکتاتور نیست و دیکتاتور باید دیکتاتور باشد لکن آنها نبودند، آنها هیچ وقت اعمال قدرت را بر غیر موضعش نمی‌کردند، آنها

بودند که به حسب نقل وقتی که حضرت امیر سلام الله علیه غلبه کرد بر یک دشمن و او تُف انداخت به صورت امیر المومنین، پاک کرد. گفته می شود که آمدند بعد او را از بین بردند و از ایشان سؤال شد، گفت ترسیدم که برای خدا نباشد برای این باشد که او به من اهانت کرده. اهانت را، اهانت به یک موجودی که هر که او را اهانت کند واجب القتل است، هر که به رسول خدا اهانت کند، هر که به ائمه خدا اهانت کند واجب القتل است، در عین حال برای اینکه خودش بوده و حقی برای خودش بوده و می خواسته که خالص باشد این کاری را که می فرماید، تحمل کرد تا اینکه میاد یک وقت یک خللی در قصد واقع بشود. آقایان علماء اعلام مسوولیتشان زیاد است چنانچه شغلشان از همه شغل ها شریفتر است. شغل، شغل انبیا است و مسوولیت، مسوولیت انبیا و همه و همه مسوول هستیم. همه هستیم که باید با رعایت صحیح رفتار کنیم «کلکم راع» همه باید مراعات حدود بکنیم. مراعات اموری را که باید بکنیم، بکنیم. همه باید بنده خدا باشیم، بنده خدا در احکام، هر چه فرموده است عمل بکنیم، نه هر چه خواستیم. امروز آبروی اسلام بسته به اعمال شما آقایان، شما برادرها، شما خواهرها و بالاتر علماء، برای اینکه علماء در راس هستند و اگر در رأس یک خطائی خدای نخواستہ واقع بشود سرایت می کند، در راس علماء هستند و اگر در رأس یک خطائی واقع بشود مردم او را پای انبیا دارند و می گویند تعلیم آنهاست، لا اقل دشمن های ما می گویند اسلام همین بوده است. الآن دشمن ها دنبال این هستند که این نهضت را، این نهضت اسلامی را یک کاری بکنند که لکه دار بشود. شکست مهم نیست، لکه دار شدن مهم است. اگر ما با آبرومندی شکست بخوریم اهمیتی ندارد، انبیا هم شکست خوردند، اگر نهضت ما خدای نخواستہ با آبرومندی از بین برود آبرو محفوظ است، در تاریخ محفوظ خواهد ماند. شکست بخوریم، حضرت امیر هم از معاویه شکست خورد، اما اگر شکست معنوی بخوریم، اگر حالا که اسلام دست ما آمده است، امانت است پیش ما، اگر ما به این امانت خیانت بکنیم، اگر خدای نخواستہ از حدود تجاوز بکنیم، این نهضت آلوده می شود و در خارج گفته می شود این هم اسلام، پای اسلام حساب می کنند نمی دانند که اسلام این نیست. اگر ما خطا بکنیم، ما خطا کاریم نه اسلام. کاری نکنید و کاری نکنند و علماء کاری نکنند و بزرگان قوم کاری نکنند و متفکران کاری نکنند که اسلام لکه دار بشود، که مکتب لکه دار بشود. ما خودمان از بین برویم اشکالی ندارد، نهضتمان هم از بین برود اشکالی ندارد لکن اگر خدای نخواستہ مکتبمان از بین برود، مکتب، مکتب توحید است، مکتب اسلام است، مکتب خداست. اگر ما کاری بکنیم که این مکتب لکه دار بشود، در دنیا بگویند که وقتی که کار به دست خود مردم افتاد، وقتی کار به دست پاسداران اسلام افتاد، گفتند ما پاسداران اسلامیم، اگر کار به دست علمای اسلام افتاد، گفتند ما علمای اسلام هستیم، ما جانشین انبیا هستیم، اگر یک وقت خطا واقع بشود، این مسأله از آن خطاهای کوچک نیست، امروز مسائل بزرگ است، امروز خطاها کوچکش هم بزرگ است، امروز اسلام در دست ماست تا ما چه بکنیم، قرآن کریم در دست ماست تا ما چه بکنیم. آیا کاری بکنیم که به ما بگویند که این هم اسلام؟ پای اسلام حساب می شود.

## پاسدار قرآن و اسلام باشید

برادرها! از پاسداری خوب پاسداری کنید. محور اسلام باشید. پاسدار اسلام و قرآن باشید. پاسداری از اسلام بکنید. همین دیروز به من اطلاع دادند که یک پاسداری در قم یک کسی را همینطور کشته است. (یکی از حضار: «برادر ایشان است») برادر هر کس باشد باید کشته بشود باید، بله؟ امام در جواب سخنان یکی از حضار سؤال می فرمایند: برادر مقتول است؟ قصاص می شود، شما حق دارید او را قصاص کنید و به دست شما می دهند و کشته خواهد شد. من امروز گفتم باید کشته بشود. هر که قدرت دستش هست هر کاری می خواهد نباید بکند. موازین دارد، میزان دارد مطلب. کشتن یک مسلمان میزان دارد، بیخود است مگر؟ کشتن یک بشر میزان دارد بی میزان نمی شود کسی را رکشت.

من امیدوارم که خداوند ماها را بیدار کند. خداوند ماها را هوشیار کند. خداوند به ما ایمان عنایت کند. خداوند انشاء الله شما را سعادت مند کند. خواهران و برادران من را هر جا هستند سعادت مند کند و از عهده این مسؤلیت بزرگی که بر دوش همه است انشاء الله با توفیق خدای تبارک و تعالی همه از این عهده بیرون بیائیم. خداوند همه را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته